پدری که دخترانش را برای گدایی اجاره می داد!

گروه حوادث – از روزی که همسر پولدارم همه دارایی ها و املاک را فروخت تا موادمخدر صنعتی تهیه کند، سرنوشت کودکانم نیز تغییر کرد، به گونه ای که او دخترانم را به گدایی وامی داشت تا برای درآمدزایی به افرادی اجاره می داد که از آن ها برای گدایی استفاده می کردند...

زن ۳۷ ساله با بیان این که همسرم برای مخارج اعتیادش، دخترانم را مجبور به گدایی می کند، در حالی که به شدت اشک می ریخت درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: من و خانواده‌ام اهل کشور افغانستان هستیم ولی من در مشهد بزرگ شدم و تا مقطع دیپلم تحصیل کردم. پدرم کفاش بود و دیگر اعضای خانواده نیز در کنار مادرم مشغول خیاطی در منزل بودیم و تنها یکی از برادرانم به پدرم در امور کفاشی کمک می کرد. با آن که مجوز اقامت در ایران را نداشتیم و شناسنامه هم نگرفته بودیم ولی در مدارس ثبت نام می شدیم و از بسیاری امکانات رفاهی بهره می بردیم. بالاخره هنگامی که تحصیلاتم در مقطع دیپلم به پایان رسید، یکی از اقوام دورمان که در افغانستان اقامت داشت مرا برای پسرش خواستگاری کرد اما من هیچ گاه او و پسرش (ابوطالب) را ندیده بودم ولی پدرم می گفت پدر ابوطالب مردی با نفوذ است که با بسیاری از مسئولان رده بالای افغانستان و تا حد ریاست جمهوری ارتباط دارد. «ابوطالب» بعد از دیپلم به کشور آلمان رفته بود تا در آن جا به تحصیلات دانشگاهی ادامه بدهد ولی برای کسب درآمد در آن کشور، رستوران های زنجیره ای راه اندازی کرده بود و اوضاع مالی بسیار خوبی داشت. من هم که این شرایط و وضعیت را از زبان اطرافیانم می شنیدم خیلی برای ازدواج با ابوطالب مشتاق شدم و بدین ترتیب با برقراری تماس تصویری با آلمان من و ابوطالب با هم صحبت کردیم و به همین طریق با خطبه عقد اینترنتی، به او «بله» گفتم. قرار بود «ابوطالب» امور اداری اقامت من در آلمان را هم انجام دهد و بعد از ۵ سال که برایم اقامت رسمی گرفت من هم برای زندگی مشترک به آلمان بروم اما هنوز یک سال بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که به طور ناگهانی «ابوطالب» آلمان را رها کرد و به مشهد آمد. او با پولی که پدرش به او داد یک رستوران در مشهد به راه انداخت و ما زندگی مشترکمان را آغاز کردیم. در یکی دو سال اول زندگی خوبی داشتیم و من هم راضی بودم اما آرام آرام دوستان ناباب اطراف شوهرم را گرفتند و او را به منجلاب موادمخدر کشاندند. حالا دیگر «ابوطالب» مانند سابق نبود و هیچ توجهی به من نداشت در حالی که من صاحب دو دختر خردسال شده بودم و شب ها را به منزل نمی آمد و بیشتر اوقاتش را با دوستانش می گذراند. کم کم رستوران هم مشتریانش را از دست می داد و شوهرم تا لنگ ظهر در خانه می خوابید، من هم که پسرم را باردار بودم، به ناچار باید استراحت می کردم تا مشکلی برای جنینم پیش نیاید.

خلاصه کار به جایی رسید که شوهرم خودرو و خانه را برای تهیه موادمخدر صنعتی (شیشه و کریستال) فروخت و ما به مستاجری روی آوردیم. هرچه برای پدر «ابوطالب» وضعیت اسفبار او را بیان می کردم نه تنها توجهی نداشت بلکه مرا متهم به دروغ گویی و زیاده خواهی می کرد. بالاخره آن ها زمانی حقیقت موضوع را دریافتند که دیگر «ابوطالب» رستوران را هم فروخت و پول آن را برای تهیه موادمخدر هزینه کرد. پدر او تا این زمان بر این تصور بود که پسرش منزل را برای گسترش رستوران و راه اندازی رستوران های زنجیره ای در مشهد فروخته است اما پس از آن او را طرد کرد و دیگر به خانه‌اش راه نمی‌داد. در این اوضاع آشفته من مجبور شدم در خانه به خیاطی بپردازم تا هزینه‌های زندگی‌مان تامین شود ولی ابوطالب از همین درآمد اندک من هم نمی گذشت و با کتک کاری و فحاشی همه درآمدم را می گرفت و صرف خرید موادمخدر می کرد. التماس ها و گریه‌های من برای ترک اعتیادش نیز هیچ فایده ای نداشت. او هر روز جنجال و آبروریزی می کرد تا من مبلغی را برای تهیه شیشه به او بدهم. خلاصه کار به جایی رسید که دو دختر ۱۲ و ۹ ساله ام را با خودش به بیرون از منزل می برد و آن ها را مجبور می کرد در سر چهارراه ها از رانندگان پشت چراغ قرمز گدایی کنند. هر روز با خروج فرزندانم از منزل من هم کنار اتاق می نشستم و فقط اشک می ریختم تا آن ها به خانه باز گردند! اما همسرم به این کار هم بسنده نمی کرد و به این دلیل که خودش نمی توانست با آن ها بیرون برود به ناچار دو دخترم را به افرادی اجاره می داد که از کودکان برای «گدایی» سوء استفاده می کردند. حالا دیگر در خانه می نشست و فقط پول اجاره دخترانم را می گرفت و موادمخدر می خرید. در نهایت قصد داشت تا پسر ۷ ساله ام را هم به گدایی وادار کند و برای درآمد بیشتر او را نیز اجاره بدهد! به همین دلیل مقاومت کردم که او دوباره مرا زیر مشت و لگد گرفت و از خانه بیرون انداخت. حالا هم به کلانتری آمده ام تا کمکم کنید که از این وضعیت نجات یابم و....

با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع و با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد «جواد یعقوبی» (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) اقدامات قضایی و بررسی های کارشناسی این پرونده به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری سپرده شد تا با هماهنگی های قضایی اقدامات قانونی در این باره به عمل آید.

با صدور «حکم مرگ» برای عامل قتل مرد کریستالی رقم خورد؛

جسد در بین نخاله ها معمای عجیبی داشت

گروه حوادث – با صدور «حکم قصاص نفس» از سوی شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی برای عامل قتل مرد کریستالی در پاتوق خلافکاران، مشخص شد که «انسداد تنفس» رمز نهان معمای «تنفس مصنوعی» در این پرونده جنایی است.

ماجرای این پرونده جنایی در بولوار یاران مشهد هنگامی آغاز شد که صبح دهم اسفند ۹۷ شهروندان جسد مردی با دست و پای بسته را داخل محفظه فلزی نخاله های ساختمانی مشاهده کردند و بدین ترتیب تحقیقات قضایی درباره این پرونده جنایی در حالی آغاز شد که پزشکان قانونی، علت مرگ وی را «انسداد راه تنفسی» اعلام کردند.

چند روز بعد با انجام یک سری فعالیت های پلیسی، مرد ۵۰ ساله ای به نام «علی –ت» به اتهام ارتکاب جنایت دستگیر شد که در نزدیکی محل کشف جسد زندگی می کرد و منزلش پاتوق استعمال موادمخدر بود. این مرد میان‌سال که مدعی بود عبدا... (مقتول) به خاطر عوارض ناشی از استعمال کریستال جان باخته و او تلاش کرده است با اقداماتی مانند «رگ زنی» و «تنفس مصنوعی» دوستش را از مرگ نجات دهد، خیلی زود در شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی در حالی پای میز محاکمه ایستاد که قضات با تجربه دادگاه به موشکافی این پرونده جنایی پرداختند و او را با سوالات تخصصی در تنگناهای قضایی قرار دادند که ناچار به تناقض گویی شد و در نهایت پای مردی را در این پرونده به میان کشید که بررسی های غیرمحسوس و محسوس پلیسی نشان داد چنین فردی وجود خارجی ندارد و متهم فقط برای فرار از مجازات قانونی چنین ادعاهایی را مطرح می کند. گزارش روزنامه خراسان حاکی است، متهم ۵۰ ساله این پرونده جنایی در جلسات دادگاه ادعا کرد: «عبدا...» به تازگی از زندان آزاد شده بود که برای مصرف کریستال به خانه من آمد اما وقتی من برای خرید سیگار از منزل بیرون رفتم ناگهان خواهرم مرا صدا زد که حال دوستت خراب است. من هم بلافاصله به او تنفس مصنوعی دادم اما نفس نکشید. در همین حال یکی از دوستانم بدنش را با تیغ زخمی می کرد تا خون به جریان بیفتد و او نفس بکشد ولی باز هم نفس نکشید و من که ترسیده بودم جسد او را در سپیده دم داخل کیسه گذاشتم و با گاری حمل زباله به درون محفظه نخاله های ساختمانی انداختم و دوستم فقط گاری را هل داد!

بنابراین گزارش، متهم مذکور که مدعی بود دوستش کارتن خواب است و خبری از او ندارد در پاسخ به سوالات فنی و حقوقی قضات دادگاه دچار تناقض گویی شد و ادعا کرد به دلیل ترس از گرفتاری قضایی و پلیسی با اورژانس تماس نگرفته است و حتی بستن دست و پاهای مقتول را نیز به «هول شدن» ارتباط داد.

در نهایت قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه به واکاوی دقیق محتویات پرونده و اظهارات متهم در حضور وکلای مدافع پرداختند و با توجه به دلایل و مستندات محکم قانونی و شرعی رأی به قصاص نفس «علی – ت» دادند، چرا که استنادات دادگاه نشان می داد «علی –ت» (متهم) فروشنده موادمخدر است و به دلیل نپرداختن وجه کریستال خریداری شده توسط عبدا... (مقتول) با وی درگیر شده و مسیر تنفس او را مسدود کرده است.

همچنین در رأی دادگاه آمده است، اگرچه متهم قصد قتل وی را نداشته اما رفتار وی فعلی نوعا کشنده بوده و حتی اگر عملی را برای احیای وی (تنفس مصنوعی) انجام داده باشد نیز به دلیل پشیمانی بعد از رفتار خطرناک برای فشردن گلو و دهان (خفگی) بوده است.

با توجه به محتویات پرونده و گزارش ها و تحقیقات کامل در مراحل دادرسی و همچنین نظرات کارشناسی پزشکی قانونی و تقاضای اولیای دم مبنی بر قصاص متهم، قضات دادگاه پس از مشورت های قضایی، اتهام قتل عمدی مرد مسلمان را محرز دانستند و او را به قصاص نفس محکوم کردند. شایان ذکر است، رأی دادگاه مذکور قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

خواهران تهرانی خواستار اعدام برادر شدند؛

خون بهای پدر مرگ برادر است!

گروه حوادث – پسر معتاد که به خاطر پول مواد مخدر پدرش را کشته بود در حالی به قصاص محکوم شد که خواهرانش حاضر به بخشیدن او نشدند.

رسیدگی به این پرونده از حدود یک سال قبل به دنبال کشته شدن مرد ۷۰ ساله‌ای در خانه‌اش حوالی خیابان جامی تهران آغاز شد. همسر مقتول که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: پسرم با من و همسرم درگیر شد و بعد از اینکه پدرش را با ضربه‌های چاقو کشت، فرار کرد. پس از بررسی های اولیه باردیابی های پلیس، پسر ۲۷ ساله دستگیر شد. با اعترافات متهم، وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه خواهران متهم برای برادرشان درخواست قصاص کردند. یکی از آنها که بشدت اشک می ریخت، گفت: پدرمان بی گناه کشته شد. برادرمان معتاد بود و سر همین موضوع مدام با پدر و مادرمان درگیری داشت و بالاخره هم به خاطر پول مواد مخدر پدرمان را قربانی کرد. به همین خاطر نمی توانیم از او گذشت کنیم و برای برادرمان حکم قصاص می خواهیم.

متهم که از این کار خود پشیمان بود، گفت: آن روز حالم بد بود چون نه مواد داشتم و نه پول به همین خاطر از مادرم خواستم برای تهیه مواد مخدر به من پول بدهد، اما مادرم شروع به داد و فریاد کرد و گفت دیگر به من پول نمی‌دهد. وقتی با مادرم درگیر بودم، خواهرم با پدرم تماس گرفت. چند دقیقه بعد پدرم در حالی که عصبانی بود به خانه آمد و شروع به فحاشی کرد. او می گفت آبروی آنها را برده‌ام و دیگر به من پول نمی‌دهند، من که در آن لحظه کنترل اعصابم را از دست داده بودم به اتاقم رفتم و چاقویی را که از قبل در اتاق نگه می‌داشتم برداشتم و یک ضربه به گردن پدرم زدم و بلافاصله فرار کردم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده و درخواست اولیای دم، وی را به قصاص محکوم کردند. این حکم در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و بدین ترتیب پسر جوان در یک‌قدمی چوبه دار قرار گرفت.

عجیب ترین سرنوشت برای قاتل بوشهری!

گروه حوادث – یک محکوم با تلاش اعضای شورای حل اختلاف بوشهر پس از ۸ سال از قصاص نفس رهایی یافت.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر از رهایی یک محکوم از قصاص نفس پس از ۸ سال با تلاش اعضای شورای حل اختلاف بوشهر خبر داد. مهدی مهرانگیز با اعلام خبر رهایی یک محکوم از قصاص نفس، اظهار کرد: این زندانی محکوم پس از ۸ سال با جلب رضایت اولیای دم توسط تلاش اعضای شوراهای حل اختلاف بوشهر و زندان مرکزی بوشهر از اجرای حکم قطعی قصاص نفس رهایی یافت.

وی افزود: با تلاش اعضای شورای حل اختلاف و شورای حل اختلاف زندان مرکزی بوشهر و مسئولان قضایی، معتمدان و بخشش و بزرگواری اولیای دم، پرونده این زندانی پس از گذشت ۸ سال به سازش منجر شد و محکوم از قصاص نفس رهایی یافت.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر بر نهادینه کردن فرهنگ ارزشمند دینی صلح و سازش تاکید کرد و گفت: در سال جاری ۱۸ نفر از زندانیان محکوم به قصاص نفس استان از قصاص رهایی و به دامان خانواده و اجتماع بازگشته اند. مهرانگیز همچنین عنوان کرد: در حال حاضر نیز تعدادی از محکومان به قصاص نفس در زندان‌های استان بوشهر منتظر عفو و بخشش و گذشت اولیای دم هستند که انتظار می رود این افراد با رافت، گذشت و بخشش با عمل خداپسندانه خود جان دوباره ایی به این محکومان هدیه دهند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش
تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

سم پاشی

شرکت کیمیا سم کیش
مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی
جزئی و کلی مجتمع های اداری
مسکونی –خدماتی –تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

دوربین های مدار بسته
درب های اتوماتیک
دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش
ساخت انواع منسوجات چوبی ،
کابینت، ترمو وود.....شو روم
بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸

شرکت کهن چوب تولیدکننده انواع
درب های چوبی برای کلیه پروژه ها
مسکونی ، تجاری ، هتلی ، و اداری
جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک
۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه
۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹ ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۸۶
www.kohanchoob.ir

حمل بار

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

مبل شویی

مبل شویی سیار
شستشوی مبل صندلی تشک
موکت فرش
با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت
در اسرع وقت
۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳
۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۳۹۱۰ – ۴۴۴۲۴۹۹۹

مفقودی

اصل پلاک موتور به شماره
پلاک ۱۵۷۲۷ و شماره شاسی
N43EEMDCAKMD00206 به نام
پوریا علی اکبرزاده مفقود گردیده
است و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

استخدام

از خبرنگار – عکاس
(ترجیحا با سابقه)
جهت کار در یک نشریه
دعوت به همکاری می شود.
ارسال رزومه و هماهنگی:
۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴

شرکت کیمیا سم کیش
مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان
۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳